جشنواره تئاتر فجر

به بهانه پوستر سی‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر

تئاتر ایران درمانده است؟

بابک احمدی

دیگر عادت کرده‌ایم یک در میان با شگفتانه‌های برگزارکنندگان جشنواره مواجه شویم؛ شگفتی‌هایی که علی‌القاعده باید به واسطه کیفیت هنرمندان و آثار منتخب، آن هم در کوران اجراها شاهد باشیم اما متاسفانه موتور اعجاب بعضا پیش از آغاز جشنواره به کار می‌افتد.

مشابه آنچه سه دوره قبل اتفاق افتاد و طعم گس و تلخ پوستر طراحی شده برای سی‌وسومین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر یکی از همین نمونه‌ها بود که تا هفته‌ها کام علاقه‌مندان و دلسوزان تئاتر از جمله خبرنگاران این حوزه را تلخ کرد. پوستر حواشی زیادی به همراه داشت تا آنجا که کار از رسانه‌های داخلی به خبرگزاری‌ها و تلویزیون‌های فارسی‌زبان خارج از کشور کشید. فضای مجازی مملو بود از پوسترهای طراحی شده توسط مردم و هنرمندان که کیفیت نازل کار طراح محترم را به باد انتقاد و تمسخر گرفتند اما کلیت کوتاهی رخ داده در نهایت گریبان تئاتر را گرفت و معتقدم در گستره‌ای وسیع‌تر به حیثیت و اعتبار هنر نمایش نزد افکار عمومی ضربه زد.

امروز ۲۳ دی ماه، درست در همین ساعاتی که این یادداشت در روزنامه منتشر شده و شما مشغول خواندنش هستید، نشست رسانه‌ای سی‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر یا در حال برگزاری است یا برگزار شده و به پایان رسیده است. رسم معمول در نشست‌های رسانه‌ای جشنواره‌ها بر این است که دبیر و دست‌اندرکاران دبیرخانه علاوه بر ارایه آمار و اطلاعات درباره آثار و گروه‌های شرکت‌کننده در دوره پیش رو به پرسش‌های خبرنگاران پاسخ می‌دهند و در پایان نیز از پوستر جشنواره رونمایی می‌شود. بر پوستر جشنواره انگشت تاکید می‌گذارم چون خبرهای خوشی به گوش نمی‌رسد!

از این جا می‌خواهم گفت طراحی پوستر جشنواره‌ای مهم در حد و اندازه‌های جشنواره تئاتر فجر - اگر همچنان برای بعضی به اندازه ما خبرنگاران مهم و معتبر باشد - چطور با کلیت رویداد و آنچه زیر پوست آن در جریان است ارتباط معنایی و ماهوی برقرار می‌کند. نمونه دم دستی تحلیل بر پایه «رونما»ی طراحی شده برای به اصطلاح معتبرترین جشنواره تئاتری ایران - کشوری که از این نظر در میان همتایان خاورمیانه‌ای‌اش بی‌رقیب است - به راحتی در آرای اسلاوی ژیژک قابل جست‌وجو است. همانطور که او طراحی و معماری توالت‌های عمومی در آلمان، فرانسه و انگلستان را به بهانه‌ای برای فلسفیدن یا تحلیل نگرش جاری حاکم بر سیاست در آن ممالک بدل می‌کند. اگر با اندکی تساهل از کنار تغییرات گام به گام و البته تا حدی غیر حرفه‌ای فراخوان ابتدایی منتشر شده - برای یک فستیوال بین‌المللی - عبور کنیم، حاصل عملکرد بعضی ارکان جشنواره نه تنها با هدف غایی دبیر مبنی بر حرفه‌ای‌تر شدن هیچ نسبتی برقرار نمی‌کنند که با توجه به گرافیک - پوستر - طراحی شده باید گفت در مسیری کاملا ضد این جریان گام برمی‌دارد.

چندی پیش یکی از مسوولان بخش کاتالوگ سی‌و‌ششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر با ارسال پیامکی از هنرمندان خواست تصاویر چهره خودشان در حالت‌های گوناگون - گریان، چشم‌های عاشق، خشمگین، ترسیده، زبونک و چشمک، روده‌بر از خنده - را برای چاپ در کاتالوگ جشنواره! ارسال کنند. برای اینکه کارگردان‌ها کاملا متوجه شوند قرار است چه مدل عکسی در کاتالوگ جشنواره به چاپ برسد تصویری نیز ارسال شد که در آن تعدادی دختر و پسر ژست‌هایی شبیه به ایموجی‌های جاری در پیام‌رسان‌های مجازی را بازسازی کرده بودند. به دلیل انتقاد به این رویکرد چندی بعد مهدی رضاخانی، مدیر هنری جشنواره از این شیوه اطلاع‌رسانی اشتباه عذرخواهی کرد.

اما متاسفانه کار به همین جا متوقف نماند و چندی نگذشت که برچسب‌های کاغذی شکلک‌ها یا ایموجی‌های پیام‌رسان‌های دیجیتال برای تبلیغ جشنواره تئاتر فجر منتشر شد. تبلیغی بدون کمترین نسبت با زمینه مورد نظر یعنی هنر نمایش که در گام سوم زبان بیرون آمده از دهان! روی پوستر سی‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر نقش بست. رویکرد دبیرخانه جشنواره تئاتر فجر در تبلیغات - پیشانی و ویترین رویداد - بیشتر به استراتژی برای منحرف کردن افکار عمومی از آنچه انتظار می‌رفت بشود ما نشده شباهت دارد. کافی است به شیوه برگزاری بخش جایزه ادبیات نمایشی و اعلام برگزیدگان دقت کنیم یا به تغییرات رخ داده در بخش «off stage» و از سوی دیگر تغییر در بخش مرور که بعدا به «الف» و «ب» تقسیم شد. اصولا قرار بود از بخش‌های جشنواره کاسته شود اما عملا با همان چیزی مواجه هستیم که در گذشته اتفاق می‌افتاد. دبیر بخش بین‌الملل دیر انتخاب شد و بر همین اساس امکان دعوت از گروه‌هایی با کیفیت بهتر به وجود نیامد. بر همین اساس است که می‌توان ادعا کرد آشفتگی تبلیغاتی و پوستر بی‌ارتباط جشنواره تئاتر فجر از وضعیت آشفته دبیرخانه در پیشبرد اهدافش حکایت دارد. فرهاد مهندس‌پور زمانی گفت: «دلالت‌ها و آگاهی‌های اجتماعی‌مان را گم کرده‌ایم. فاجعه‌بار این است که تئاتر بیرون از آگاهی‌های اجتماعی رخ می‌دهد و متاسفم که تئاتر خیلی احمق شده است.» بنابراین به همان جمله‌ها در «شب نخبگان غایب» بازمی‌گردم. نسبت این گرافیک با وقایع روز جاری در ایران، منطقه و جهان چیست؟ مگر قرار نبود تئاتر ما و طبیعتا ویترین یک سال تئاتر ایران حداقل بازتاب‌دهنده وضعیت مملکت باشد؟ به این ترتیب نسبت گرافیک طراحی شده برای پوستر جشنواره مبین چیست؟ آیا باید بپذیریم برآیند و خروجی چهره‌های متخصص و دانشگاهی تئاتر ما تفاوتی با گذشته ندارد؟ تئاتر ایران چنین در سامان دادن وضعیت خود درمانده است؟

جشنواره موسیقی فجر

نیوشا مزیدآبادی

حمید متبسم آلبوم «تار و پود» را که پیش از این با صدای مهدیه محمدخانی در قالب کنسرتی خارج از ایران اجرا کرده بود، به تازگی با صدای وحید تاج در ایران منتشر کرده‌است. این آهنگساز و نوازنده تار ایده شکل‌گیری این اثر را معطوف به حال و هوای عاشقانه‌اش در روزگار اخیر و محصول این دوران می‌داند. متبسم قرار است «تار و پود» را به همراه گروهش در سی و سومین جشنواره موسیقی فجر در قالب دو اجرا روی صحنه برد؛ یکی برای همه مردم و دیگری در تالار رودکی برای اهالی هنر بالاخص موسیقی. با او درباره این آلبوم و مسیر آهنگسازی‌اش در سال‌های اخیر به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

مهری جمشیدی

گفت‌وگو با حمید متبسم به بهانه انتشار و اجرای اثر تازه‌اش در جشنواره موسیقی فجر

عده‌ای با «شو» جنس بنجل هنری می‌فروشند

■ **پیش از این در اثر «زمزمه‌ها» روی اشعار شفیعی کدکنی آهنگسازی کردید و حالا هم روی منظومه «خسرو و شیرین» نظامی؛ آهنگسازی روی منظومه به لحاظ ویژگی‌های روایی‌ای که دارد به شناخت زیادی از اینگونه شعری وابسته است. در مورد شعر شفیعی کدکنی هم همین را می‌توان گفت. البته شما روی اشعار فردوسی هم در «سیمرغ» کار کردید. ظاهرا این طور به نظر می‌رسد که به شعر علاقه زیادی دارید...**

دو اتفاق در درون من باعث شد که من به داستان و ادبیات (به موازات هم) علاقه‌مند باشم. نخست آنکه مادرم قصه‌گوی بسیار خوبی بود و شیرین‌ترین لحظات زندگی وقتی بود که او برایم قصه می‌گفت، دوم اینکه من کوچک‌ترین فرزند خانواده‌ای بودم که همه اهل ادبیات، کتاب خواندن و موسیقی خوب بودند؛ در اصل خانواده‌ای روشنفکر داشتم که در آن کمتر لحظات سطحی و پیش پا افتاده اتفاق می‌افتاد. برادر بزرگ من شعر می‌گفت و مجله «فردوسی» (که مجله روشنفکری آن دوران بود) همیشه در خانه ما طرفدار داشت. از آنجایی هم که پدرم صفحه‌فروشی داشت، ما همیشه موسیقی خوب گوش می‌کردیم. همه این عوامل باعث شد بخش بزرگی از لحظات و روزگار من با ادبیات و موسیقی و داستان‌های شیرین قدیمی عجین باشد. الان هم در همین سن و سال تماشای انیمیشن (کارتون) را به فیلم‌های معمولی ترجیح می‌دهم. اساسا افسانه را بیشتر از داستان‌های واقعی دوست دارم و فیلم‌هایی که آمیخته به افسانه هستند برایم دلچسب‌ترند. در مورد شعر هم چنان که گفتم محیط خانواده باعث می‌شد زیاد شعر بخوانم و همیشه در جست‌وجوی اشعار ناب باشم. «زمزمه‌ها» که به آن اشاره کردید نمونه خوبی از این جریان است چون به نظر من «زمزمه‌ها» بخشی از آثار شفیعی کدکنی است که انگار خودش هم زیاد اصراری به عام شدن و زیاد شنیده شدن آن نداشته است؛ روایت درون شعر هم کاملا شخصی است و به نظر می‌رسد شاعر دارد مستقیما حرف‌های دلش را به یک نفر خاص می‌زند. این شعر بی‌اندازه مرا کنجکاو کرد چون روایتی عاشقانه بود از دوران آشنایی تا گذر زمان و البته ماندگاری عشق. مثلا در جایی از شعر، کدکنی می‌گوید: «خنده‌ات آینه خورشیدهاست» یا جایی دیگر که می‌گوید: «در نگاه من بهارانی هنوز». این «هنوز» یعنی از شعرهای قبلی مدت زمان زیادی گذشته است. یا بیتی دارد که می‌گوید: «عمر از کف رایگانی می‌رود/ کودکی رفت و جوانی می‌رود». پیداست که از ابتدای شعر تا لحظه سرودن آن دوران زیادی گذشته است. یا اگر این طور نباشد می‌توان حدس زد که این شعر را مستقیما برای معشوقش شبیه به یک داستان روایت کرده است.

من در ابتدای مسیر آهنگسازی‌ام که آلبوم‌های «بامداد» و «بوی نوروز» بود همین برخورد را با موسیقی داشتم. در بامداد هم اثرات هنر توصیف برون (انتقال احساسات درونی به جهان بیرون) وجود دارد. هر چند موسیقی به نوبه خود هنری درونی و شخصی است ولی به «چهار فصل» ویوالدی می‌ماند که چنان توصیفی از فصل‌ها کرده که به جای انتزاع، «سرما» و «گرما» و... را به خوبی در اثر احساس می‌کنید؛ وگرنه موسیقی که به نوبه خود یک هنر انتزاعی است. این مساله به صورت شاخص و متبلور در اثر «سیمرغ» برای من اتفاق افتاد. در «سیمرغ» انگاری فردوسی من را در یک بند و حصار گذاشته بود. من این افسانه را خیلی دوست دارم. اینکه فرزند سپید مویی به دنیا می‌آید، پدرش فکر می‌کند شیطان و پلید است و آن را روی کوه می‌گذارد برای من بسیار جالب است. انتخاب هر یک از این الهامات برای هر هنرمندی - آهنگساز، فیلمساز، نقاش و شاعر - جالب است؛ تصوری از هیچ چیز وجود ندارد و در نهایت مجموعه‌ای شکل می‌گیرد. شبیه باغبانی که از یک دانه درخت بار می‌آورد. آهنگساز، باغبان موسیقی است و حتما موضوعی که روی آن کار می‌کند باید با شرایط و حال شخصی‌اش هماهنگ باشد. من اگر عاشق نبودم نمی‌توانستم «تار و پود» را بسازم.

■ **این اثر و «زمزمه‌ها» آثار مستقل شما از گروه «دستان» هستند و البته آثاری که روایتی عاشقانه دارند. با توجه به تعریفی که خودتان ارایه کردید این تلقی به وجود می‌آید که این روزها روزگار عاشقانه‌ای دارید و موسیقی‌تان فضای رمانتیکی پیدا کرده. این طور است؟**

همین طور است. من زندگی خودم را در پیوند با موضوعی درونی به شکل یک اثر تازه هنری به نمایش می‌گذارم. هر هنرمندی همین‌طور است. در غیر این صورت اثرش سفارشی می‌شود. هر چند آن اثر سفارشی هم می‌تواند جذاب باشد اما بیشتر بر مبنای تکنیک و دانش آهنگسازی آن هنرمند شکل گرفته تا اینکه بر اساس یک اتفاق هنری رخ دهد. در واقع اتفاق هنری زمانی می‌افتد که آتش‌فشانی در درون هنرمند فوران کند؛ برای من این‌طور بوده است. البته «زمزمه‌ها» در یک دوران روحی دیگرِ من بود که با حال امروزم همخوانی ندارد اما «تار و پود» روی منظومه عاشقانه خسرو و شیرین است که درونش غم و گرفتاری بسیاری وجود دارد.

■ **جالب است که حتی شما در برخورد با این منظومه (با اینکه پایان خوشی ندارد و خسرو به وصال شیرین نمی‌رسد)، روایت خود را داشته‌اید و در نهایت اثر به وصال ختم می‌شود...**

من در این منظومه آنچه بین خسرو و شیرین اتفاق می‌افتد را تا لحظه‌ای که به هم می‌رسند روایت کرده و همان‌جا اثر را تمام می‌کنم. این در مورد اشعار دیگران هم رخ می‌دهد. مثلا وقتی روی اشعار فروغ آهنگسازی کردم آن را از دید خودم مطرح کردم. من تلخی‌های فروغ را ندیدم. شیرینی‌های زندگی‌اش را دیدم. در حالی که فروغ فرخزاد شاعری است که قلم تلخی دارد. من شعرهایی از فروغ را استفاده کردم که مربوط به لحظات شیرین زندگی اوست. البته این به این معنا نیست که فقط به شیرینی زندگی فکر کنم.

■ **یعنی همه‌چیز را خوشحال و مثبت می‌بینید؟**

من با زندگی پیوند خیلی خوبی دارم با اینکه کسانی که هم سن و سال من هستند مدام می‌گویند دیگر از ما گذشته است و... اما من هرگز این طور نمی‌بینم. من در لحظه زندگی می‌کنم ولی لحظه‌ای که در پیوند با تمام لحظاتی است که قرار است فردا بیاید. من اگر امروز بشنوم که ۱۰ روز دیگر زنده هستم، آن ۱۰ روز را زندگی می‌کنم چون فکر می‌کنم عمق عمر از طول آن مهم‌تر است. البته منظورم الکی خوش بودن نیست. منظورم کسی است که زندگی را برای خودش می‌سازد وگرنه همیشه می‌شود با غر زدن زمان را گذراند. کسانی که من را می‌شناسند، می‌دانند من اصولا اهل تجملات نیستم و مثلا از اینکه بدانم قرار است فردا در جنگل پیاده‌روی کنم از همین الان خوشحال می‌شوم. به همین دلیل هم هیچ‌وقت تاکنون احساس پیری یا گذر زمان نکرده‌ام.

■ **منظومه‌خوانی در فرهنگ موسیقایی ایران پیشینه و ریشه‌ای قدیمی دارد. اساسا سنت منظومه‌خوانی در بین بسیاری از خنیاگران موسیقی مقامی ایران رایج است. آیا شما هم در ساخت «تار و پود» به این سنت و موسیقی مناطقی که به منظومه‌خوانی می‌پردازند، توجه کرده‌اید؟**

من امروز که اینجا نشسته‌ام نتیجه اتفاقاتی هستم که در گذشته و کودکی‌ام افتاده است. بی‌شک آنچه من از منظومه‌خوانی، نقالی و روایتِ افسانه به زبان فارسی دیده‌ام، چنان روی من تاثیر گذاشته که من امروز را ساخته است. من همیشه می‌گویم در دانشگاه فقط می‌شود فنون آهنگسازی را یاد گرفت و شما باید ذاتا آهنگساز باشید تا بعد در دانشگاه درس آهنگسازی بخوانید. این در ژن آن شخص از زمان کودکی رخ می‌دهد. منظور من این نیست که پژوهش پزشکی کنیم و ببینیم مثلا در ژن کسی مشخصات یک موسیقیدان هست یا نه؛ بلکه این شرایط فیزیکی و روحی شخص است که در ژن او تاثیر می‌گذارد. پرورش این خصلت ژنی از زمانی که کودک در رحم مادر است و صداها را می‌شنود رخ می‌دهد. اگر او موسیقی خوب بشنود یک تاثیری می‌گیرد و اگر فریاد بشنود یک تاثیر دیگر. من خواننده‌های خوبی را سراغ دارم که در سنین بالا هر کاری می‌کنند، نمی‌توانند سر ضرب بخوانند. این اتفاقی است که در کودکی برای‌شان نیفتاده است. من از کودکی در خانواده‌ای بودم که اسباب‌بازی‌ام ساز بود و مادرم اگر هم شعری برایم می‌خواند با موسیقی بود. اینها روی من تاثیر گذاشت. مثلا خاطرم هست در دوران کودکی تماشاخانه‌ای نزدیک خانه ما بود که تمام تعطیلات تابستان (هر شب) در آنجا نمایش می‌دیدم. این نمایش‌ها می‌توانست پیش‌پرده‌خوانی یا نمایش روحوضی هم باشد. در واقع این اتفاقات روی من بسیار تاثیرگذار بودند و وقتی به هنرستان موسیقی رفتم، انگاری مطالبی که اساتید می‌گفتند برایم تکراری بودند و فقط تکنیک‌ها و دانش علمی آنها را یاد می‌گرفتم. جالب است بدانید من تار زدن را از نگاه کردن به نوازندگی پدرم یاد گرفتم. وقتی هم برای اولین‌بار ساز دستم گرفتم، می‌دانستم چطور باید بنشینم و چطور مضراب بزنم. به هر حال در آلبوم «تار و پود» هرگز این طور نبود که من به طور واضح و روشن از منظومه‌خوانی‌ها و نقالی‌ها بهره گرفته باشم بلکه سعی کردم تاثیراتی که از آنها گرفتم را به شکلی مدرن ارایه کنم وگرنه این ریشه‌ها در درون من وجود دارد و من بی‌آنکه محاسبه کنم از آنها استفاده می‌کنم. مثل مینیاتوریستی که از رنگ و نقش به شکل نهادینه استفاده می‌کند. در «تار و پود» تعزیه‌خوانی وجود دارد اما مشخصا تعزیه‌خوانی هم نیست. نقالی هست اما عینا آن هم نیست.

■ **مهم‌ترین عنصری که در نقالی یا خنیاگری نوازندگان تربت‌جام و... وجود دارد این است که موسیقی حکم راوی را هم ایفا می‌کند و خواننده برای اینکه یک منظومه بلندبالا را برای شنونده‌اش اجرا کند و او را با خود همراه سازد، علاوه بر استفاده از ظرایف موسیقایی می‌کوشد تا از جملات ریتمیک با تمپوی بالا یا حتی گردش فواصلی استفاده کند که هم لحن حماسی به موسیقی‌اش ببخشد و هم جذابیت اثر را بالا برد که شنونده تا انتهای داستان با او همراه شود. این در حالی است که به نظر می‌رسد در بخش‌هایی از «تار و پود» این اتفاق نیفتاده است و ریتم موسیقی به گونه‌ای است که سر رشته داستان گم می‌شود. آیا خود شما به این مساله قائل هستید یا نه؟**

من به کاری که ساخته‌ام، معتقدم و به آن پافشاری می‌کنم. ضمن اینکه این اجبار نیست که همه با همه بخش‌های یک آلبوم ارتباط یکسان بگیرند. شما به نوع تلفیق شعر و موسیقی نقد دارید یا اشکال تلفیقی می‌بینید؟

■ **نوع تلفیق.**

یعنی تصور می‌کنید خسته‌کننده و طویل و طولانی است؟ این به سلیقه شما برمی‌گردد. البته من در بخش‌هایی از اثر به جهت محتوای شعر سعی کرده‌ام از موسیقی‌ای استفاده کنم که به آن کمک می‌کند. مثلا در جایی که شعر می‌گوید: «شب و روز انتظار یار می‌داشت/ امید لحظه دیدار می‌داشت» من سعی کردم موسیقی کش‌دار و طولانی بسازم تا این انتظار شنیده شود. اما اصولا پشت سر هم گوش دادن ۷۰ دقیقه موسیقی برای جهان امروز ما نیست. جهان امروز ما جهان سریعی است که آدم‌ها همزمان کارهای مختلفی را انجام می‌دهند؛ یکی ضمن آشپزی کردن هم موسیقی گوش می‌دهد و هم در شبکه‌های مجازی چت می‌کند. موسیقی «تار و پود» دشمن چنین فضایی است و بهتر است در خلوت شنیده شود. من هم درباره آنچه مربوط به سلیقه شماست، بی‌تقصیرم.

■ **برای شما به عنوان آهنگساز چه دشواری‌هایی در مسیر مدرن ارایه کردن یک منظومه شبیه خسرو و شیرین وجود داشت؟ خصوصا که بستری که شما به سبب آن موسیقی‌تان را ارایه کرده‌اید هم بستر موسیقی اصیل ایرانی و مثلا دستگاه چهارگاه و همایون است...**

من در این قضیه مشکلی نداشتم چون رشته اصلی من موسیقی ایرانی است و به آن کاری که می‌کنم کاملا مسلط هستم و می‌دانم با چه ابزاری می‌توانم آن را ارایه کنم. مثلا در اثر دیگر من با عنوان «زمستان» من دو ساز سه‌تار، یک بربط و یک بم‌تار را در کنار سازهای کوبه‌ای قرار داده و شعر اخوان ثالث را اجرا کرده‌ام. یکی دیگر ممکن است «زمستان» اخوان ثالث را با ارکستر سمفونیک اجرا کند اما من در موسیقی اصولا رئالیست نیستم. ممکن است کسانی که رئالیست هستند در کارهای‌شان از افکت‌های صوتی مثل صدای پرنده و باد هم استفاده کنند اما من سعی می‌کنم این عناصر را تا حدودی انتزاعی‌تر ارایه کنم و نیازی نمی‌بینم که سازها کاراکتر شخصیت‌های داستان را داشته باشند. من به شکل کاملا ریشه‌ای سراغ سازهایی می‌روم که از نظر فرهنگی به آنچه می‌خواهم ارایه دهم نزدیک باشند. مثلا در همین «تار و پود» من چون می‌خواستم صدا از منظر فرهنگی به دوره‌ای دورتر از دوران قاجار برگردد، از تار و کمانچه استفاده نکردم وگرنه می‌دانم «اصالت» ریشه داشتن در فرهنگ است. شعر شاملو هم مثل شعر حافظ اصیل است چون هر دو در فرهنگ ما ریشه دارند؛ اگرچه یکی مدرن است و دیگری سنتی. من به این اصالت پایبندم و معتقدم اگر قرار است اثری ایرانی باشد باید عناصر موسیقی ایرانی هم داشته باشد. این اعتقاد من به عنوان یک آهنگساز است و ممکن است شخص دیگری اعتقادی دیگر داشته باشد.

■ **قطعا که نمی‌توان کتمان کرد روایت شما از منظومه نظامی در قیاس با دیگر روایت‌هایی که از اشعار دیگر بهره برده‌اند، ایرانی‌تر است چون سیر گوشه‌های دستگاه چهارگاه یا مدولاسیون به شوشتری همایون و... به درستی در اثر شما شنیده می‌شود. این در حالی است که آثار دیگر بیشتر به نمایشنامه و ترانه‌خوانی نزدیک است تا موسیقی ایرانی. در عین حال صاحبان این آثار تاکید دارند که موسیقی ایرانی کار می‌کنند.**

به هر حال نگرش و بینش آهنگسازان و خالقان هنر مختلف و متفاوت است. من موسیقی را به هدف دیگری کار می‌کنم و مدرن بودن را در استفاده از ابزار و اصوات نامانوس نمی‌بینم. چون من با موسیقی انس گرفته‌ام و این ریشه در فرهنگ من دارد. روش و جهان‌بینی من در ساخت موسیقی تحت تاثیر نکاتی است که به آن اشاره کرده‌ام. البته خوب است که این تفاوت در جهان وجود داشته باشد و هنرمندان مختلف با شیوه‌های مختلف کار کنند. موسیقی یک دریای بی‌پایان است که می‌توان در آن روش‌های مختلفی را تجربه کرد. هر کس می‌تواند موسیقی را به نوبه خود مدرن ببیند. مثلا موسیقی داریوش دولتشاهی به عنوان یک آهنگساز و نوازنده تار تا حد زیادی مدرن و متفاوت است.

■ **آنسامبلی که شما در اثر «تار و پود» استفاده کرده‌اید از آنسامبل گروه «دستان» متفاوت و متمایز است. این در حالی است که در اثر «زمزمه‌ها» هم از آنسامبلی دیگر استفاده کردید. آیا می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که شما با تغییر آنسامبل در تجربه‌های مستقل‌تان از گروه دستان، می‌خواهید آهنگسازی متفاوتی را نسبت به آنچه برای این گروه ساخته‌اید، تجربه کنید؟**

حتما همین طور است. هر چیز خیلی خوبی وقتی به تکرار می‌رسد خودش به بند تبدیل می‌شود. مثلا مولانا درباره عنصر وزن در شعر می‌گوید: «این مفتعلن مفتعلن کشت مرا...». نگه داشتن این قالب‌ها با آنکه زیبا هستند اما خسته‌کننده است. کار ما در گروه «دستان» هم همین طور است. وقتی در یک قالب و پیله صوتی مشخصی قرار می‌گیریم و سالیان سال همه با هم کار می‌کنیم، دل‌مان می‌خواهد رنگ‌های صوتی دیگری را هم بشنویم یا آثاری بسازیم که به رنگ‌های صوتی دیگری نیاز دارد. این به همه اعضای گروه «دستان» برمی‌گردد و فرقی بین نوازنده‌ها و آهنگسازان گروه وجود ندارد. به عنوان مثال من اثر «پردیس» یا «سیمرغ» را نمی‌توانستم با آنسامبل «دستان» بسازم. این یک جنبه ماجرا است و فکر می‌کنم همه همکاران من در «دستان» به آن فکر می‌کنند. جنبه دیگر مساله این است که اصولا آهنگسازان دوست دارند آنسامبل‌های مختلف را تجربه کنند. چنان که می‌دانید در موسیقی غرب آنسامبل‌های متنوع و زیادی وجود دارد اما در موسیقی ما گروه‌نوازی نزدیک به ۱۰۰ سال عمر دارد و همین باعث می‌شود روی آن کمتر کار شده باشد. آنسامبل «دستان» به نوبه خود یک تغییر اساسی در موسیقی ایرانی بود و باعث شد گروه‌های جوان موسیقی ایرانی هم آن را تجربه و تکرار کنند. ولی آنسامبلی که فقط برمبنای سه‌تار شکل گرفته باشد، برای اولین‌بار در آلبوم «گل صد برگ» تجربه شده و خیلی هم خوش‌صدا بود. اصولا آهنگسازان وقتی با علم آهنگسازی، شناخت سازها، اصوات و تاثیرگذاری فرکانس‌ها روی هم کار می‌کنند، یاد می‌گیرند چه سازهایی را با هم ترکیب کنند تا از طریق این ترکیبات، تجربه‌های جدید حاصل شود. در «تار و پود» هم، سه‌تار و بربط و قیچک آلتو ترکیبی را ایجاد می‌کنند که صدایی شبیه تنبور از آن داشته باشند و صدای بم بیشتر شنیده می‌شود تا صدای زیر. ماهیت صدای ساز سه تار هم مثل سنتور و تار جیغ نیست بلکه بیشتر موجب رنگ دهی به صداهای بم می‌شود. به طور کلی از نظر من سه‌تار یک ساز بم است و هر قدر نت‌های بالا را هم با آن اجرا کنید باز رنگ صوتی آن از سازهایی مثل سنتور و تار، بم‌تر می‌شود. ترکیب این صداها برای من شبیه آنسامبلی غیر از آنسامبل‌های مرسوم موسیقی ایرانی است.

■ **و چقدر از مقام‌های موسیقی نواحی وام گرفته‌اید؟**

رسما یک بخش از کار موسیقی خراسانی است. منظورم بخشی است که دو، سه‌تار یک مقام موسیقی خراسانی را در مایه دشتی اجرا می‌کنند و شعر «عروسی دید چون ماهی مهیا...» در ابتدا در مایه شوشتری خوانده می‌شود. در این بخش‌ها ملودی‌ها شانه به شانه موسیقی مقامی خراسان می‌زند. ضمن اینکه نباید فراموش کنید من خراسانی هستم و اگر جنوبی بودم در اثرم موسیقی جنوب شنیده می‌شد.

■ **شما برای این اثر عنوان «تار و پود» را انتخاب کرده‌اید. این در حالی است «تار و پود» عنوان اثری از حسین علیزاده است در موسیقی فیلم دلشدگان که البته یکی از مهم‌ترین قطعات رپرتوار تار هم به شمار می‌رود. در انتخاب این عنوان برای آلبوم اخیرتان دلیل خاصی داشتید؟**

به عقیده من اسامی فقط یکسری کلمه هستند چنان که در موسیقی غربی هم بارها از کلماتی مثل «رقص شمشیر» یا «رقص آتش» استفاده شده است و تعریف این اسامی در همان کاری که ارایه شده نهفته است. اگر قرار باشد این دغدغه را داشته باشیم که از اسم‌های تکراری استفاده نکنیم، ممکن است به دلیل محدودیت دنیای کلمات نسبت به دنیای موسیقی، کم بیاوریم. من هر چقدر هم اهل ادبیات باشم باید دنبال ترکیبات و حرف‌های تازه بگردم. از طرفی کلمه «تار» به تنهایی نمی‌تواند گویای یک مفهوم باشد و به «پود» احتیاج دارد. «تار و پود» برای من در این اثر مثل مهر گیاه است. مهر گیاه، گیاهی است که دو ریشه در زمین دارد که وقتی این دو ریشه در زمین به هم پیوند می‌خورند با هم از خاک بیرون می‌آیند. برای من در واقع «تار و پود» سمبل عشق و اساس هستی است. برداشت آقای علیزاده هم برداشتی است منحصر به خود او و با تصورات ایشان. ولی من دلم نمی‌خواست اسم اثر را چیز دیگری بگذارم چون شخص دیگری این نام را انتخاب کرده است.

■ **به عنوان آخرین سوال وضعیت امروز موسیقی ایرانی را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

ما در ایران خیلی سُر خورده‌ایم. یعنی ارتباط‌مان با فرهنگ خودمان و پدیده‌های فرهنگی آن قدر ضعیف و ضعیف‌تر شده که اگر کسی کاری کند، هر چند کوچک، مثل خورشید می‌درخشد. من معتقدم چنان که فرخی یزدی می‌گوید: «خرابی چون که از حد بگذرد آباد می‌گردد». یعنی این وضع به جایی می‌رسد که در نهایت سرنوشتی جز درست شدن در انتظارش نیست.

موسیقی ایرانی بعد از دوران علینقی وزیری و روح‌الله خالقی برای سال‌های طولانی دست رادیو ایران بود؛ منظورم سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۰ است. در آن دوران موسیقی خوب (موسیقی وزیری و...) به نسبت دیگر انواع آن کمتر رشد کرد. در واقع موسیقی ایرانی که بیشتر مردم پسند و فراگیر شد از طریق نوازنده‌های ویولن بود. چون نوازنده‌هایی مثل هرمزی، فروتن و صبا گوشه‌نشین بودند و تصویر نمونه‌های نادری هم مثل اصغر بهاری گاهی از تلویزیون پخش می‌شد. غیر از تلویزیون و رادیو هم ابزار دیگری برای اشاعه موسیقی وجود نداشت. تاریخ ثابت کرده زمانی که مرکز حفظ و اشاعه موسیقی و گروه‌های «شیدا» و «عارف» تاسیس شدند (در سال‌های ۵۰-۴۹)، موسیقی ایرانی به آنچه پیش از رادیو وجود داشت، برگشت. این گروه‌ها آثاری از درویش، رکن‌الدین مختاری و... را ارایه می‌کردند. وقتی موسیقی قاجار با گروه «شیدا» توسط محمدرضا لطفی ارایه شد، مردم آن دوران فکر می‌کردند موسیقی تازه‌ای است چون دو نسل از این موسیقی دور بودند و آن را نشنیده بودند یعنی دور بودن مردم از موسیقی باعث نو جلوه کردن موسیقی قدیم می‌شد.

بازگشت به خویشتن در آن سال‌ها دوباره اتفاق افتاد و موسیقی قدیم، موسیقی روشنفکری و مطرح آن دوران شد. این انقلاب هنری الان باید دوباره در جوان‌ها اتفاق بیفتد تا همه‌چیز اعم از روابط اجتماعی، فرهنگ و هنر در جامعه ما متحول شود. در حال حاضر جوان‌ها غالبا دنبال ابزار و نمایشی هستند که از طریق آن جنس بُنجل خود را بفروشند؛ ابزاری که مربوط به این هنر نیست. جامعه امروز چیزهای سطحی و پیش پا افتاده می‌خواهد. این هنرمند است که باید این رسالت را داشته باشد که یک گام از جامعه خویش پیش‌تر رود و کار خود را پی بگیرد تا از دریچه دیگری به سوی باغ پنهان هنر باز کند. او باید در وهله اول خودش عاشق این هنر باشد نه اینکه به هدف دیگری بخواهد بارش را ببندد. کسی که باید بنگاه ماشین باز می‌کرد در موسیقی جایی ندارد. هیچ عیبی نمی‌بینم که کسی بخواهد پولدار یا معروف شود، ولی نه از راه فدا کردن هنر. ببینید کسانی مثل شفیعی کدکنی که پشتوانه فرهنگی دارند اصلا در چنین جامعه‌ای از خانه بیرون نمی‌آیند و ترجیح می‌دهند از این سموم دور باشند. روزی می‌رسد که همین جوانان که امروز دنباله‌رو این «شو»ها هستند متوجه می‌شوند آنچه از دست داده‌اند بزرگ‌تر از چیزی است که در این دوران به دست آورده‌اند.

■ هرگز این طور نبود که من به طور واضح و روشن از منظومه‌خوانی‌ها و نقالی‌ها بهره گرفته باشم بلکه سعی کردم تاثیراتی که از آنها گرفتم را به شکلی مدرن ارایه کنم وگرنه ریشه‌های موسیقی اصیل در درون من وجود دارد و من بی‌آنکه محاسبه کنم از آنها استفاده می‌کنم. مثل مینیاتوریستی که از رنگ و نقش به شکل نهادینه استفاده می‌کند. در «تار و پود» تعزیه‌خوانی وجود دارد اما مشخصا تعزیه‌خوانی هم نیست. نقالی هست اما عینا آن هم نیست.

گزارش

در حاشیه اجرای شهید پرویزخان در جشنواره موسیقی فجر

وزیر ارشاد: نیازمند شیوه‌نامه‌ای دایمی هستیم

ستاره کاظمی/اعتماد

اعتماد | سی و سومین جشنواره موسیقی فجر در حالی آغاز به کار کرد که اکثر اجراها به صورت جدی تا امروز با بحران مخاطب روبه‌رو هستند. ناگفته نماند این کمبود مخاطب در جشنواره موسیقی امسال فقط مختص موسیقی کلاسیک غربی یا اصیل ایرانی نیست بلکه دامن بسیاری از اجراهای بین‌المللی و حتی پاپ را هم گرفته است. هرچند براساس اعلام سایت بلیت‌فروشی جشنواره به نظر می‌رسد بلیت‌های بسیاری از کنسرت‌ها تمام شده اما با حضور در سالن و رصد کلی مخاطبان به‌سادگی درمی‌یابیم به زحمت دوسوم یا حتی یک سوم بلیت‌های برخی اجراها فروش رفته‌اند.

تریوی اکشیکلن

یکی از اجراهایی که عصر پنجشنبه ۲۱ دی ماه در تالار رودکی روی صحنه رفت، کنسرت «تریوی اکشیکلن» از کشور مغولستان بود. در این اجرا تریوی اکشیکلن با تبحر و احساس فراوان قطعاتی از رپرتوار اصیل موسیقی منطقه‌شان را اجرا کردند که این قطعات به مراسم و مسابقات آنها اختصاص داشت. در این کنسرت خواننده اصلی گروه صداها شبه‌تحریری ایجاد می‌کرد که به شکلی باورنکردنی، دقیق و البته بکر و خاص بود. براساس آنچه اعلام شد او شیوه خاص خود را در آوازخوانی به صورت سینه به سینه از پدرش یاد گرفته بود. اجرای این تریو به جهت اصالت در اجرا و پایبندی به اساس موسیقایی آن منطقه به‌جرات یکی از بهترین اجراهای جشنواره تاکنون بود.

ارکستر ملی و سالار عقیلی

دیگر اجرایی که عصر پنجشنبه در تالار وحدت برگزار شد، کنسرت ارکستر موسیقی ملی ایران به رهبری فریدون شهبازیان و خوانندگی سالار عقیلی بود. سالار عقیلی مثل همیشه با قدرت فراوان بخش‌های آوازی و تصانیف خود را اجرا کرد. اما مهم‌ترین نقطه ضعف این کنسرت که توجه زیادی را هم به خود جلب می‌کرد، رهبری فریدون شهبازیان بود و به نظر می‌رسید هیچ یک از نوازندگان ارکستر به او (به عنوان رهبر ارکستر) توجهی نکرده و بخش‌های خود را فقط و فقط از روی پارتیتور خود اجرا می‌کنند. فریدون شهبازیان هم در بسیاری از قسمت‌های اجرا بی‌آنکه توجهی به ارکستر و نوازنده‌هایش داشته باشد، روبه‌روی خواننده می‌ایستاد و بی‌هیچ حرکتی قطعات را با او همخوانی می‌کرد. ارکستر موسیقی ملی ایران در این اجرا از کیفیت پایینی برخوردار بود و بیشتر به جسدی می‌مانست که صدای خواننده به او شوک دوباره‌ای برای احیا می‌داد.

شهید پرویز خان

یکی دیگر از اجراهایی که پنجشنبه‌شب با استقبال بسیار کم مخاطبان برگزار شد، کنسرت شهید پرویز خان - نوازنده سیتار اهل هند - بود که برای دومین بار در جشنواره موسیقی فجر حضور یافته است. هرچند اجرای پیشین شهید پرویزخان نیز با استقبال کم مخاطبان روبه‌رو بود و انتظار نمی‌رفت مدیران جشنواره برای دومین‌بار از او دعوت کنند اما شهید پرویز خان روی صحنه تالار وحدت آمد و بعد از اندکی خوش و بش با مخاطبان بسیار اندک حاضر در سالن، به معرفی سازهای سیتار و طبلا پرداخت. او در این کنسرت که وزیر ارشاد و فرهنگ اسلامی به تماشای آن نشسته بود، با اجرای بداهه خود گفتمان رایج بین دو ساز سیتار و طبلا را به نمایش گذاشت. با آنکه اجرای بداهه این نوازنده هندی تا حد زیادی از جملات ملودیک - ریتمیک بدیع و ویبراسیون‌های متنوع که تعلیق زیادی ایجاد می‌کردند، بهره‌مند بود اما در بخش‌هایی هم بسیار تکنیکی و شتابزده می‌شد که از کیفیت خصلت بداهه می‌کاست.

در حاشیه اجرای شهید پرویز خان

سید عباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی پس از اجرای شهید پرویزخان در جمع برخی خبرنگاران در پاسخ به پرسش خبرنگار اعتماد مبنی بر انتقاد برخی فعالان حوزه موسیقی درباره فقدان اساسنامه در جشنواره موسیقی فجر گفت: «من هم معتقدم جشنواره‌ها باید شیوه‌نامه‌های روشنی داشته باشد در این مورد هم شیوه‌نامه‌ای تهیه شده اما ما باید به یک شیوه‌نامه دایم مصوب‌شده برسیم که امیدواریم این اتفاق در پایان جشنواره رخ بدهد. اما شما بدانید در این دوره از جشنواره شیوه‌نامه‌ای وجود داشته است که ما باید به سمت دایمی شدن آن پیش برویم ولی رسیدن به یک شیوه‌نامه دایمی نظر مراجع تصویب‌کننده خود را لازم دارد تا بتواند به عنوان یک شیوه‌نامه قابل اعتماد مورد توجه قرار بگیرد.»

او درباره بحران مخاطب در این دوره از جشنواره نیز بیان کرد: «من هم قبول دارم این اشکال وجود دارد و ما هنوز آن تعادل مورد نظر را ایجاد نکردیم. ما به هیچ عنوان نمی‌خواهیم بگوییم موسیقی پاپ باید بی‌مخاطب و بی‌مشتری باشد و مخاطب داشتن این گونه موسیقایی اصلا نقص نیست ولی ما بر این باور هم هستیم که موسیقی سنتی و کلاسیک هم باید ارتقای مخاطب پیدا کند. در این بخش هم مجموعه‌های مختلف و آفرینندگان این گونه موسیقایی هر کدام مسوولیت‌های خود را دارند تا بتوانند با مخاطبان ارتباط بهتری پیدا کنند.»

خبر

شادی کودکان زلزله‌زده و یک سوء تعبیر

تازه‌ترین اظهارنظر دبیر جشنواره فیلم فجر، برگزاری جشنواره دانش‌آموزی فیلم دفاع مقدس در مناطق زلزله‌زده کرمانشاه، معرفی برگزیدگان دومین مرحله جایزه داستان‌نویسی بهاران و... از مهم‌ترین خبرهای فرهنگی در روزهای اخیر است.

دبیر جشنواره فیلم فجر: یک سوء برداشت بود

ابراهیم داروغه‌زاده، دبیر سی و ششمین جشنواره فیلم فجر گفت: «بحث دیدن فیلم‌ها از سوی ارگان‌های دیگر یک سوء برداشت بود. ما جلسه‌ای را با کمیسیون فرهنگی برگزار کردیم و گزارشی را در باب روند برگزاری جشنواره فجر به آنها ارایه دادیم. آقای حیدریان در آن جلسه گفتند در روز خاصی برای مدیران سازمان سینمای فیلم «زنانی با گوشوارهای باروتی» را نمایش خواهند داد که اعضای کمیسیون فرهنگی نیز توسط رییس سازمان سینمایی برای تماشای این فیلم دعوت شدند. البته نکته مهم این است که فیلم‌های مستند و کوتاه ما در جشنواره‌های مورد نظر اکران شده است. آقای حیدریان دعوت کردند که این دوستان حضور پیدا کنند و این فیلم را به این دلیل که موضوع جذابی دارد، مشاهده کنند.» او ادامه داد: «چند نفر از اعضای کمیسیون فرهنگی نیز فیلم را دیدند. اما بعد این تصور شکل گرفت که نمایندگان قرار است فیلم‌های جشنواره را مشاهده کنند در صورتی که اصلا فیلم‌ها در اختیار جشنواره نیست که آنها بتوانند ببینند. معمولا نسخه نهایی فیلم‌ها در دو هفته آغاز بهمن ماه در اختیار جشنواره قرار می‌گیرد. به غیر از هیات انتخاب و داوران هیچ کس دیگری فیلم‌ها را نخواهد دید. نمایندگان مجلس و کارکنان دولت نیز همزمان با خبرنگاران و اهالی رسانه فیلم‌ها را در سالن وزارت ارشاد خواهند دید.» **سینما سینما**

بامداد بیات موسیقی «پاسیو» را می‌سازد

بامداد بیات موسیقی متن فیلم «پاسیو» به کارگردانی مریم بحرالعلومی را می‌سازد. فیلمبرداری «پاسیو» چندی پیش به پایان رسیده و این روزها مراحل پس از تولید را سپری می‌کند. «پاسیو» که قصه‌ای زنانه را در بستر شهر روایت می‌کند، اولین تجربه بلند مریم بحرالعلومی در مقام کارگردان است. بهناز جعفری، محدثه حیرت، کریم امینی، یاسمن ترابی، حسین ملکی، بهروز قادری، سحر غمخوار، محمدرسول صفری و بابک انصاری با حضور پوریا پورسرخ و شقایق فراهانی در «پاسیو» ایفای نقش کرده‌اند. **روابط عمومی فیلم**

معرفی برگزیدگان دومین مرحله جایزه داستان‌نویسی بهاران

موسسه بهاران اسامی ۳۰ داستان منتخب در مرحله دوم جایزه داستان نویسی خود را اعلام کرد. روز پنجشنبه، پنجم بهمن ماه، ده داستان از این تعداد به عنوان داستان‌های برگزیده اولین دوره این جایزه معرفی خواهند شد. «سفیدی» احمد داوری، «در احوال این نیمه روشن» آرش محمودی، «هوای دم کرده عصر استانبول» بابک محمدی، «قرار نبود هیچ‌وقت غمگین باشم» بهناز ذبیحی، «قسم به دست‌ها» راضیه مهدی‌زاده، «بلوار دریا» سارا اژدر تاج دینی، «می‌دانید من آنجا نبودم» سارا اجمال آبادی، «بنفش کبود» سولماز اسعدی، «روز مردگان» شهرام مرادی، «مهمانی خانوادگی» عاطفه جلالی، «پرواز روز جمعه» علی مهدی دوست سلیمی، «مورچه‌ها» فاخته حسامی‌فرد، «دم گاو» فاطمه کاظمی، «معامله می‌کنم» لیلا قزوینی، «صف مردگان» مجتبا شول افشارزاده، «مادمازل ماهی» مجتبا هژیری، «پارافین» مجید صابری، «فرشته» محدثه شریفات، «الف ۸۸» مرضیه کیانیان، «آن‌جا که مروی به ناصرخسرو می‌رسد» مسعود ریاحی، «زورآباد» مصطفی شمس، رشت زیر نور ماه» منوچهر کارگذاری، «بسوزه پدر چین بی‌صاحاب!» مهراوه فردوسی، «عاشق» مهرداد مراد، «نفربر» مهرنوش تنهایی، «یک طرفه به مالدیو» مهسا علیون، «غش» نجمه سجادی، «زندگی می‌گذرد نادیا» نیلوفر حسن‌زاده، «گیپور» هامون هجار، «آزول‌ها» وحید منصوری هفشجانی، ۳۰ اثر برگزیده دور دوم این جشنواره هستند. هیات داوران اولین جایزه داستان کوتاه بهاران، سیامک گلشیری، مهدی یزدانی خرم و مرتضی برزگر هستند. **روابط عمومی موسسه بهاران**

شادی کودکان زلزله‌زده در جشنواره دانش‌آموزی فیلم دفاع مقدس

دوازدهمین جشنواره دانش‌آموزی فیلم دفاع مقدس با حضور چهره‌هایی مانند فاطمه معتمدآریا، مالک سراج، کوروش سلیمانی، سیدعلی صالحی، محمدرضا هدایتی، سعید داخ، سیده زهرا حسینی و... برگزار شد. این هنرمندان با الهام بخشی به نوجوانان و جوانان شرکت‌کننده برای بالابردن صبر و استقامت در برابر مشکلات و یادآوری گذرا بودن این وضعیت، با آنان به شادی و دست افشانی در سالن‌هایی پرداختند که مزین به عکس شهدای هر منطقه بود. شهید سعید سیاح طاهری بنیانگذار اصلی این جشنواره مردمی بود که در هر موقعیتی در مناطق محروم و به ویژه مصیبت‌دیده با کمک هنرمندان و قهرمانان دفاع مقدس به یاری فرهنگی نوجوانان و مردم این نواحی می‌پرداخت و جشنواره دوازدهم دانش‌آموزی نیز در سالگرد شهادت او برگزار شد. **اعتماد**

به وقت رویا با بازی رویا نونهالی

رویا نونهالی بازیگر فیلم «به وقت رویا» به کارگردانی امیرحسین عنایتی شد.

تصویربرداری این فیلم به تازگی در اصفهان آغاز شده و شاهرخ فروتنیان، افسانه چهره‌آزاد، ساقی محمدی، محمد ستوده مقدم، گوهرشاد مهابادی، زهرا برومند، مرتضی ریحانی، محمد کلوشانی، تینا ابراهیمی، بهرنگ محتشمیان و حمیدرضا تربتیان در این فیلم نقش آفرینی می‌کنند. در خلاصه داستان «به وقت رویا» آمده: خانواده رویا در آستانه مهاجرت به خارج از کشور هستند اما به علت رخ دادن اتفاقی تحصیلی برای رویا، مجبور به ماندن می‌شوند و تنها رها پسر خانواده است که می‌رود. در این میان حادثه‌ای تلخ و ناگهانی چالش بزرگی برای زیبا و همسرش امیر و تمام افراد اطراف‌شان به وجود می‌آورد که منجر به واکاوی گذشته آنها و تلاش برای حفظ ثبات شرایط نابسامان کنونی زندگی‌شان می‌شود... **ایلنا**

اقتصاد مقاومتی بعنوان شعار سال یک مجموعه است که در زیر نام آن هم اقدام و عمل می گنجد و هم تولید واشتغال. (مقام معظم رهبری)

شرکت آب و فاضلاب منطقه ۳ شهر تهران (سهامی خاص)

آگهی مناقصه عمومی (یک مرحله ای با ارزیابی کیفی) شماره ۹۶/۲۳

۱-نام دستگاه مناقصه گزار: شرکت آب و فاضلاب منطقه ۳ شهر تهران.
۲-موضوع مناقصه: انجام خدمات نگهداری فضای سبز به مساحت ۱۳۰۰ مترمربع، نظافت ساختمانها به مساحت ۱۳۱۴۰ مترمربع، نظافت فضاها و محوطه باز به مساحت ۱۰۵۰۰ مترمربع و ارائه سرویس به تعداد ۱۸ واحد آبدارخانه موجود، جمعا حجم کار بمیزان ۲۴۹۴۰ مترمربع زیربنا از ساختمانهای واقع در محدوده شرکت آب و فاضلاب منطقه ۳ شهر تهران.
۳-مهلت و محل دریافت اسناد مناقصه: متقاضیان شرکت در مناقصه می توانند حداکثر تا ساعت ۱۵ روز یکشنبه مورخ ۹۶/۱۱/۱ با معرفی نامه معتبر به دبیرخانه این شرکت به نشانی: تهران، خیابان جلال آل احمد – ابتدای آرش مهر (شهر آرا) مراجعه و مبلغ ۴۰۰،۰۰۰ (چهارصدهزار) ریال به حساب شماره ۳-۴۰۴۱۰۹-۴۰-۸۸۴ نزد بانک سامان شعبه کوی نصر بنام شرکت آب و فاضلاب منطقه ۳ شهر تهران واریز و فیش مربوطه را به دبیرخانه این شرکت تسلیم و نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند.
۴-مبلغ برآورد و مدت اجرای کار: ۳۲،۶۱۷،۸۹۰،۶۸۶ (سی و دو میلیارد و ششصد و هفده میلیون و هشتصد و نود هزار و ششصد و هشتاد و شش) ریال و بمدت ۱۲ (دوازده) ماه شمسی.
۵-محل اعتبار: از محل اعتبارات جاری شرکت
۶-مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به میزان ۱،۰۸۸،۵۳۶،۷۲۰ (یک میلیارد و هشتاد و هشت میلیون و پانصد و سی و شش هزار و هفتصد و بیست) ریال و به یکی از انواع ذیل می باشد:
-چک بانکی تضمینی، ضمانتنامه بانکی و یا واریز نقدی به حساب شماره ۳-۴۰۴۱۰۹-۴۰-۸۸۴ نزد بانک سامان شعبه کوی نصر بنام شرکت آب و فاضلاب منطقه ۳ شهر تهران و به پیشنهادهای فاقد امضاء، مشروط، مخدوش، فاقد سپرده و سپرده های مخدوش یا سپرده های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و همچنین پیشنهاداتی که بعد از انقضای مدت مقرر واصل شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۷-مهلت و محل تحویل پیشنهاد: تا ساعت ۱۵ روز شنبه مورخ ۹۶/۱۱/۱۴ به دبیرخانه این شرکت به نشانی مذکور.
۸-زمان و محل گشایش جلسه اول پیشنهادها (پاکات الف و ب): ساعت ۱۰:۳۰ روز یکشنبه مورخ ۹۶/۱۱/۱۵ در محل دفتر قراردادها و امور بازرگانی این شرکت باز و قرائت خواهند شد.
۹-زمان و محل گشایش جلسه دوم پیشنهادها (پاکات ج): ساعت ۱۰:۳۰ روز سه شنبه مورخ ۹۶/۱۱/۲۴ در محل دفتر قراردادها و امور بازرگانی این شرکت باز و قرائت خواهند شد.
۱۰-هزینه درج آگهی در یک نوبت بعهده برنده مناقصه می باشد.
۱۱-سایر اطلاعات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است. نشانیهای سایت اینترنتی: (http://iets.mporg.ir) و (http://www.nww.ir) و (http://tender.bazresi.ir)

شرکت آب و فاضلاب منطقه ۳ شهر تهران (سهامی خاص)

شرکت ملی نفت ایران – شرکت پایانه های نفتی ایران (سهامی خاص)

نوبت دوم

آگهی تجدید فراخوان عمومی ارزیابی کیفی مناقصه گران مناقصه شماره ۹۵/۰۸/JA

تجدید مناقصه
شماره مجوز: ۱۳۹۶/۴۷۶۵

شرکت پایانه های نفتی ایران (سهامی خاص) در نظر دارد پنج قلم لوله فولادی بدون درز را با شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی (دو مرحله ای) از تامین کنندگان واجد شرایط خریداری نماید.

۱-موضوع مناقصه: خرید پنج قلم لوله فولادی بدون درز که شرح کامل و مشخصات فنی آن در اسناد مناقصه موجود می باشد.
۲-نام و نشانی مناقصه گزار: (شرکت پایانه های نفتی ایران) به نشانی تهران، پاسداران، بالاتر از برج سفید، نیستان هفتم، کوچه شهید حجت سوری، پلاک ۱۱، طبقه همکف دفتر کمیسیون مناقصات
۳-برآورد مناقصه: ۶/۷۱۱/۳۶۰/۴۷۰ (شش میلیارد و هفتصد و یازده میلیون و سیصد و شصت هزار و چهارصد و هفتاد) ریال
۴-معیارهای ارزیابی کیفی مناقصه گران:

۱–توان مالی: ۴۰ امتیاز (حسب ماده ۲۵ آیین نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات)	۴–استانداردهای تولید: ۱۰ امتیاز
۲–ارزیابی مشتریان قبلی و حسن شهرت: ۵ امتیاز (حسب ماده ۲۶ آیین نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات)	۵–داشتن تجربه و دانش در زمینه مورد نظر: ۲۰ امتیاز
۳–تضمین کیفیت خدمات و محصولات: ۱۰ امتیاز	۶–حسن سابقه: ۱۵ امتیاز
حداقل امتیاز کیفی قابل قبول برابر با ۶۰ می باشد.	

۵-تاریخ، مهلت و نشانی دریافت و تحویل استعلام ها و مدارک ارزشیابی
۵-۱-مناقصه گران می توانند از تاریخ انتشار آگهی نوبت دوم به مدت ۱۴ روز با مراجعه به سایت www.iotco.ir فرمهای استعلام ارزیابی کیفی را دریافت و پس از تکمیل به همراه سایر اسناد مدارک و مستندات به صورت یک فایل PDF شده بر روی یک لوح فشرده (CD) در موعد مقرر به نشانی مناقصه گزار در بند «۲» تحویل نمایند.
۵-۲-مناقصه گران باید مدارک تکمیل شده ارزیابی کیفی را حداکثر تا ساعت ۱۶ آخرین روز انقضای ۱۴ روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم به کمیته فنی بازرگانی تحویل دهند.
۵-۳-پس از بررسی فرم های ارزشیابی و مدارک دریافتی اسناد مناقصه به متقاضیان واجد شرایط تحویل داده خواهد شد.
۵-۴-به مدارکی که به صورت ناقص ارائه گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۵-۵-مناقصه گزار در قبول و یا رد مدارک مناقصه گران در تمام مراحل اختیار تام خواهد داشت.
۶-شرایط مناقصه گران
۶-۱-داشتن تجربه، سابقه کار مفید، داشتن تجهیزات، امکانات تخصص لازم، توانایی فنی و مالی جهت انجام کار مرتبط با خدمات موضوع مناقصه مطابق استانداردهای رایج صنعت نفت
۶-۲-توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (شرکت در مناقصه) به مبلغ ۳۳۵/۵۶۸/۰۰۰ (سیصد و سی و پنج میلیون و پانصد و شصت و هشت هزار) ریال و همچنین تضمین حسن انجام تعهدات در صورت برنده شدن به میزان ۱۰٪ نرخ پیشنهادی برنده مناقصه جهت یک سال خورشیدی حسب آیین نامه تضمین معاملات دولتی شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ ه مورخه ۹۴/۹/۲۲ مصوب هیات محترم وزیران. ضمانتنامه های صادره می بایست مطابق فرمت های نمونه پیوست آیین نامه مذکور ارایه گردد لذا این شرکت از پذیرش ضمانتنامه هایی که فاقد شرایط فوق می باشد معذور بوده و هیچگونه مسئولیت و تعهدی در این خصوص نخواهد داشت. ۶-۳-ارائه شناسه ملی حسب ماده ۱۶ آیین نامه اختصاص شناسه ملی به کلیه اشخاص حقوقی ایرانی
۶-۴-ارایه تصویر مصدق کد اقتصادی شرکت و کدملی صاحبان امضاء مجاز. مناقصه گران جهت رویت فراخوان می توانند به سایتهای ذیل مراجعه نمایند.
www.shana.ir و www.iotco.ir

روابط عمومی